



# بازی در نقش سبحان قسمت من بود

گفت و گو با شهرام ابراهیمی؛ «سبحان» سریال ترور

مصطفی پورکیانی  
روزنامه نگار

به کارگردانی خیرالله تقیانی پور و معرفی بازیگری به نام شهرام ابراهیمی در نقش «سبحان»؛ سرتیم مأموران امنیتی که قرار است جلوی ترور حاج قاسم را بگیرند. به همین بهانه با این بازیگر گفت و گویی صمیمانه داشته ایم.

از همان روزهای اولی که خبر ساخت سریالی درباره «حاج قاسم» رسانه ای شد، همه منتظر بودند تا خروجی این کار دیده شود و زمان به سرعت گذشت تا در زمان سالگرد شهادت حاج قاسم، سریال «ترور» روانه آنتن شد؛ مینی سریالی ۹ قسمتی

● برای شروع گفت و گو از سابقه، کارنامه هنری و تحصیلات تان صحبت کنیم و اینکه چطور وارد این حرفه شدید؟

در سال ۱۳۷۶ و در زادگاهم شهرکرد، انجمن سینمایی یک سری کلاس های بازیگری برگزار کرده بود که به طور اتفاقی وارد این کلاس ها شدم؛ چون تمام خانواده من در رشته های مهندسی تحصیل کرده بودند، اصرار زیادی داشتند که من هم این مسیر را ادامه دهم و در زمانی که برقی می خواندم به تئاتر علاقه مند شدم. سه-چهار سال تئاتر کار می کردم. سال ۸۰ یک کاری در شهرکرد ساختم می شد که قرار بود برای بازیگرهای فرعی از بچه های تئاتر استفاده شود. زمانی که حاضر شدیم تا با کارگردان صحبت کنیم، آقای حسن کیانی که صدابردار بودند من را دیدند و پیشنهاد دادند که وارد کار صدابرداری شوم و من هم قبول کردم و سینمایی «قلعه متروک» را کار کردیم.

کم کم در این رشته وارد کارهای مختلف شدم تا اینکه آقای سعید بهرامی در حین اینکه صدابرداری یک سریالی را کار می کردیم، من را می دیدند که از کارهای کارگردانی نت برداری می کنم و طرح های خودم را می نوشتم. ایشان پیشنهاد دادند که چرا فیلم نمی سازی و بعد از خواندن طرح های من گفتند که حاضری دستمزد این کار را بگذاری و یک فیلم بسازی و من هم قبول کردم و اولین کارم را ساختم که یک کار سه اپیزوده و یک فیلم کوتاه سه دقیقه ای بود که جوایز بسیاری هم گرفت.

کمی بعد تریکی از فیلم سازان خوب به نام آقای نجفی گفتند که من می خواهم یک فیلم بلند بسازم و دستیار می خواهم و من شدم دستیار اول کارگردان؛ کارم به صورتی بود که بازیگری را در تئاتر ادامه می دادم و دستیار اولی و برنامه ریزی را در سینما و در کنار آن فیلم کوتاه می ساختم؛ حدود ۳۰ فیلم کوتاه ساختم و اکثر فستیوال ها را با فیلم کوتاه شرکت کردم و در سال ۸۶ اولین سریال را برای شبکه دو به نام «سینا و تینا» کارگردانی کردم. البته بازیگری را رها نکردم. در این سال ها حدود ۱۰ الی ۱۵ تله فیلم و سه چهارتا کار سینمایی بازی کردم که آخرین کارم، اثری سینمایی به کارگردانی آقای نوری زاد بود که نقش اصلی را بازی می کردم.

در ادامه در سینمایی «طول موج» به عنوان نقش اصلی بازی کردم که بعد از آن پیشنهاد بازی در سریال «شهرزاد» به من شد، اما چون مشغول بازی در یک کار سینمایی بودم، نقش ها تقسیم شده بود و اتفاقاتی رقم خورد که من به عنوان دستیار کارگردان وارد این گروه شدم. به واسطه دوستی و آشنایی با آقای شهاب حسینی، در تئاتر «اعتراف» به کارگردانی ایشان، با آقای علی نصیریان همبازی شدم که از این دو بزرگوار بسیار آموختم تا سال گذشته که فیلم بلند سینمایی خودم با نام «خانه ماهرخ» را کارگردانی کردم که در جشنواره روسیه جایزه اول را گرفت؛ در این سال ها فوق لیسانس کارگردانی تئاتر را هم گرفتم.

از شبکه یک روسیه، یک پیشنهاد بازیگری داشتم که قصه به سمتی پیش می رفت که نیاز بود چند کاراکتر، فارسی صحبت کنند. به همین دلیل پیشنهاد شد و این ارتباط شکل گرفت و من نقش یک پلیس مخفی را در این سریال داشتم؛ موضوع این سریال، یک کشور خیالی بود که زلزله ای در آن اتفاق افتاده بود و برای نشان دادن این ویرانی ها، لوکیشنی در سوریه انتخاب شده بود. در آنجا که بودم، آقای تقیانی پور با من تماس گرفتند و فیلمنامه را فرستادند. نقشی که

در روسیه بازی می کردم یک پلیس مخفی بسیار عصبی بود که بازبردستان خود به تندی رفتار می کرد و در پایان وقتی می دید چه خدمت شریفی به کشور خودش کرده، در نهایت به یک آرامشی می رسید ولی کاراکتر سبحان بسیار آرام و متین بود؛ دقیقاً نقطه مقابل کاراکتر روسیه و مشاهداتی که سبحان داشت و مسیری را که باید طی می کرد همه و همه باعث شد که نقش سبحان را قبول کنم.

● شما آقای تقیانی را می شناختید و یا از طریق آقای امینی با شما تماس گرفتند؟

من افتخار کار کردن با آقای امینی را نداشتم. آشنایی من با آقای تقیانی برمی گردد به یک دهه قبل که من در فیلمی به نام «پلاک» بازی می کردم که آقای تقیانی پور به عنوان دستیار یک کارگردان بودند؛ بعد تر آقای تقیانی به من پیشنهاد کار دادند ولی چون من آن زمان مشغول شهرزاد بودم قسمت نشد اما خیلی دوست داشتم که یک کار مشترک تئاتر با ایشان داشته باشم.

زمانی که من در سوریه بودم آقای تقیانی با من تماس گرفتند. اتفاقاً ایشان هم به خاطر پروژه سینمایی شان در سوریه بودند؛ بعد از خواندن فیلمنامه، نقش را پذیرفتم و گروه بسیار به من لطف داشتند؛ چون بعد از سریال روسیه، من به عنوان داور باید در یک فستیوالی در سن پترزبورگ حاضر می شدم و به همین دلیل، گروه به خاطر من چند روزی صبر کردند تا به ایران برگردم. به نحوی احساس کردم که این نقش قسمت من شده بود.

● درباره چالش های سریال «ترور»

صحبت کنیم. پیش از «ترور» هم بینندگان با سریال هایی مشابه، با کاراکترهای مأموران امنیتی آشنا شده اند. بدون شک به دلیل فرم کار و اینکه نویسنده و تهیه کننده هردو سریال «ترور» و گاندو» مشترک بودند، ناخود آگاه شما با نقش محمد در سریال گاندو مقایسه می شوید. از چالش ها، ترس ها و نحوه تحقیقات تان برای این سریال بگوئید.

